

معاينة از سبب مکرر اندون باشد و در اصطلاح اینست که سقوط و جود در رکن بر سبیل
 مناسبت باشد که اگر یکی بیفتد دیگری برتر باشد و ثابت باشد اما این نیز که
 هر دو سقوط شوند چنانکه معاينة است میان الف و نون در خبر میل شکول کوم فعلات
 فاعلان فعلات فاعلان که چون در رکن اول الف سقط شود و در رکن دوم نون ثابت
 باشد و صاحب سقط اس سبب صورت آورده است بخواران یعولش فاعول فاعول فاعول
 فعلا و لا یخزف فی صدر اقل جزئی را گویند در رکن اول اگر معاينة نون از رفته باشد و در خوانند
 و رکن آخر اگر معاينة الف از رفته باشد و جرح اکثر جزئی باشد طمان و کن را گویند که در
 سالان جبر و جرح افتاده باشد و از معاينة سلامت باشد معاينة این کم از موافقت
 کتبه افقی گرفته اند که چون ساره در افق مشرق طلوع شود شاره که رقیب او باشد
 از افق مغرب غارب کرد و معاينة یکدیگر را چشم نگاه داشتن باشد و معاينة قائم
 است میان ماه مغرب و نون او در نوع سبب این خبر البته نواز منقول معاينة
 آید سقوط نون با معاينة سقوط یا اساج در از کردن و قائم کردن باشد و بنی
 و زیادت کردن خرفی باشد از آخر رکن بشرط الفه آخر رکن سبب خفیف باشد چنانکه
 معاينة با فاعلان معاينة فاعلان و فاعلان شود از اسبب بقیفه و مبالغه و سبب
 گویند و سبب بقیه نیز گویند

King Saud University



1957

Copyright © King Saud University